

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سی ام خرداد ماه ۱۳۱۳ - ۷ ربیع الاول ۱۳۰۳

شماره مسلسل : ۹۳۴

قیمت اشتراك } مالیات
داخله : ۲۰ ریال
خارج : ۱۰۰ ریال
نگ شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه سی ام خرداد ماه ۱۳۱۳ (۷ ربیع الاول ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تلگراف رئیس مجلس کبیر ملی ترکیه و بیانات عمده از نمایندگان در اطراف تزئید حسن روابط و بروز احساسات صمیمانه بمناسبت تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بان مملکت.
- ۳) شور اول لایحه استخدام محمدین قضائی در وزارت دادخده
- ۴) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (هتشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظاری نیست (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲- تلگراف رئیس مجلس کبیر ملی ترکیه و بیانات عمده از آقایان نمایندگان در اطراف تزئید حسن روابط و بروز احساسات صمیمانه بمناسبت ورود اعلیحضرت همایونی به آن مملکت

رئیس - جلسه برای روز بکاتب مهیود بود و امروز فراکسیون برای امور داخلی داشتیم - در این بین تلگرافی از رئیس محترم مجلس ملی کبیر ترکیه رسید که عرض آن زودتر به مجلس شورای ملی مقضی بود - این است که بر حسب تقاضای آقایان جلسه شد و اینک تلگراف واصله قرائت میشود :

عین تلگراف رئیس مجلس کبیر ملی ترکیه

حضرت میرزا حسین خان دادگر رئیس مجلس شورای ملی ایران

به مناسبت تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران به ترکیه مجلس کبیر ملی ترک بانفق آراء تصویب نمودند که خود را نرجان احساسات ملت ترک فرار داده با اظهار اعتقاد و شادمانی به مجلس برادر ما ایران سلام و محبتهای قوی و آرزوی ملت ترک را در وفایت و سعادت ملت نجیب ایران ابلاغ نماید و را مأموریت دادند که این احساسات را تبلیغ و با ابقای این وظیفه بر اقتضای احترامات فائمه خود را بر آن بیفزایم.

رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه - کاتلم

این مذاکرات مشروح هشتاد و هفتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

تئین بی اجازه - آقایان : - نازی - معلوجی - ارباب کبیسرو - افق - اعظم زنگ - محمود تاشی - یونس آقا و هابزاده - محمد آخوندکرگانی حاجی - کورس - مدلل - دولتشاهی
دیر آمدگن بی اجازه - آقایان : - اوندیاری - دکتر ادهم - طهرانچی - شریعت زاده

رئیس - آقای اسفندیاری .

اسفندیاری (حاج میرزا حسن خان) - بنده از وقتی که داخل در خدمت دولت منبوعه خودم شدم در نظر دارم که غالباً ملت ایران يك حس مودت و يك تمایل نزدیکی بدولت و ملت ترکیه داشته است (صحیح است) و هر وقت يك اتفاقی می افتاد که این ملت را تکه پاره می کرد و استحکام مبداء اسباب امپدواری و مسرت بود (صحیح است) و هر وقت که برخلاف این انتظار چیزی واقع می شد اسباب تأسف هم میشد (صحیح است) البته هم ملت هم دولت ایران همیشه آرزو داشتند که يك روزی برسد که آن خلاف انتظارها از میان برداشته شود و آن روابط و مناسباتی که همیشه منظور بود بطور استحکام بقی و برقرار باشد تا اینکه با فضل خدا در عصر حاضر بزماءداری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که همه کس میدانند واقعا برای خیر و سعادت ملت و مملکت خودشان از هیچ دقیقه ای فروگذار نفرموده اند (صحیح است) و هر مسئله خبری و هر مسئله بهتری که برای مملکت اسباب سعادت و امپدواری بوده است اقدام فرموده اند و عزم و استخ خودشان را میذول فرموده اند (صحیح است) از اول سلطنت خودشان این نکته را هم متوجه شدند همانطور که در نطق بلایع خودشان هم تذکر فرموده اند که از اول خواسته اند این روابط را واقعا مستحکم فرمایند (صحیح است) و اگر موافقی باشد از میان بر دارند و بشیریح هم از آنوقت تا بحال میبینیم که این فکر عالی پیشرفت کرده و نتیجه مطلوبه حاصل شده چنانکه مسافرت اعلیحضرت همایونی به آقره واقعا مکمل این نیت و این مقصود بوده (صحیح است) و بواسطه دعوتی که از دولت معظم ترك بعمل آمد اعلیحضرت همایونی با کمال اشتیاق عازم این سفر شدند . البته غیبت اعلیحضرت همایونی از مملکت خودشان مثل غیبت روح از جسد است (صحیح است) و تمام از این مسئله البته ناراضی بودند (صحیح است) که پادشاه ایران از مملکت خودشان و از میان خودشان خارج بشوند ولی

دو طرف دائماً بقی و برقرار باشد بهره ور شده و این مناسبات و روابط حسنه که موجود است روز بروز بر مزید بوده و موجب سعادت طرأین باشد (صحیح است انشاء الله) و این دو فائد عظیمی که در این دو مملکت واقعا در صدد خیر و سعادت و آسایش و عظمت دو ملت خودشان هستند و مساعی جلیله بکار میبرند انشاء الله مؤید و موفق باشند (صحیح است - انشاء الله) و همیشه دوستی و برادری بکدیگر را اسباب خیر و سعادت در مملکت بدانند (صحیح است انشاء الله - احسنت)

رئیس - آقای رهنما .

رهنما - البته نمایندگان محترم بوسیله مطبوعات بوسیله تلگرافات خارجه از جزئیات حرکت موکب اعلیحضرت در خلك تركیه اطلاع پیدا کرده اند احساساتی که در تمام این مسافرت از ابتدای ورود بخلك تركیه از طرف ملت تركیه مشاهده شده احساسات که بعبقده بنده ناشی از يك صمیمیت و يك صداقت و يك برادری قوی العاصه است (صحیح است) احساساتی که در تمام طبقات ملت ترك از بزرگ تا کوچک از مأمور تا محصل گرفته ابراز و تشار قدم اعلیحضرت شاهنشاهی گردید حقیقه برای ما ایرانیها تشکرات بی اندازه و غیر قابل وصفی را ایجاد کرد (صحیح است) برای چه ؟ برای این که ملت تركیه نسبت بنه ایندند اختیارات ملی و تاریخی ما بهترین احساسات و احترامات خودش را تقدیم کرد (صحیح است) این اظهاری را که بنده میکنم از تشکر يك مقداری بالا تر است این عرایضی را که بنده میکنم عبارت از يك احساسات خیلی دوستانه و قلبی و برادرانه است که میخواهم در این محوطه در اینجا که مرکز اراده و افکار عمومی و نمایلات ملت ایران است بدلت تركیه تقدیم دارم . اینها از تشکر يك قدری بالاتر است و آن عبارت است از احساسات يك برادری که برادر صدیق و یاروفی خودش تقدیم می کند . امروز در قلب هر ایرانی که جستجو می کنید بواسطه این احساسات و اظهارات صمیمانه و پذیرائی هائی که در خلك تركیه از

شاهنشاه محبوب ما کرده اند يك جا برای ترك می بینید . حقیقه برای ترك می بینید . در تمام ایران می بینید يك احساسات قلبی در نتیجه این حرارت و پذیرائی گرم دوستانه نسبت به ملت و دولت تركیه بیش از پیش بوجود آمده است (صحیح است) این يك احساس خیلی طبیعی است که در بین ملتین ایجاد شده است . چرا این احساسات ایجاد شده برای اینکه وضعیانی که در تركیه و در مملکت ما ایجاد شده است این صمیمیت و دوستی را ایجاد کرده است . در بین ما امروز نه تنها دیگر هیچ نوع سوء تفاهمی وجود ندارد بلکه يك نوع صمیمیت و صداقت عدم النظیری بین ملتین ایران و تركیه موجود شده است . سابق بر این در تركیه يك رژیم خیلی تاریکی بود . در ایران هم همینطور این دو رژیم تاریک مجال نمیداد که این دو ملت احساسات قلبی خودشان را مبادله کنند . مجال نمیداد که مشکلات و مضامینی که بین آنها ایجاد شده حل شود و دائماً در کدهکش سختی واقع بودند . آن ظلمت و تاریکی در نتیجه وجود و پیدایش دو نفر مرد بزرگ بکسی اعلیحضرت پهلوی و بکسی غازی مصطفی کمال بر طرف گردید و دو حکومت نورانی و فضالانه بروی کار قرار گرفت و امروز تركیه از قلب به ملت ایران و ایران به ملت تركیه با علاقه صمیمانه نگاه می کند و جز برادری و محبت چیزی در آنجا نمی بیند (صحیح است) بنده محتاج نیست که تفاوت بین رژیم را که در تركیه سابقا بوده و امروز هست و یا در ایران که سابقا بوده و امروز هست بیان کنم زیرا تمام این تفاوتها محسوس است و دیده میشود . تفاوتش را ممکن است در نتیجه آثار و علائم ترفیبات و پیشرفت هائی که برای این دو مملکت پیدا شده است مشاهده کرد و این خودش بهترین معرف این قسمت است .

ترکیه امروز و ایران امروز با ترکیه و ایران قبلی خیلی تفاوت کرده اند . در قسمت آبادی - راه آهن - از جهت ترفیبات اجتماعی و مدنی بسیار پیشرفت کرده اند بنا بر این انتظار بر رفت که رشته های مودت و صمیمیت

بین این دو مملکت قویتر محکمتر شده و در وقت محبت و دوستی در قلوب افراد ملت ایران و ترکیه - چنانچه امروز شده مستقر و برقرار شود.

بنده در خفته عرایض میخواهم عرض کنم که همیشه مالی که نسبت بهما دارای احساسات پاک و احساسات صمیمانه هستند ما این را قدرانی میکنیم بخصوص مثل ملت ترکیه که در مجاورت ما قرار گرفته و در سالهای اخیر عملاً و در موقع ورود اعلیحضرت شاهنشاهی اخیراً تمام احساسات يك برادر صمیم و صدیقی را بمنصه برر زوسانده است و بنا بر این بنده بمنته بکثرت و کمال تمام تشکرات خودم را که عبارت از احساسات هموطنان من است تقدیم ملت ترکیه میکنم.

ولیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در اوائل سال ۱۹۲۸ از سفر فرنگستان که بر میگشتم به اسلامبول رفتم طبعاً بنده يك سابقه بین مطبوعات ترك داشتم برای اینکه مسائلی ما بین ما و دولت ترکیه واقع میشد که بنده مجبور بودم در آن باب چیز بنویسم. غالب مطبوعات ترك بنده را مشتاختند لذا ورود بنده در آنجا باعث این شد که آنها به ملاقات من بیایند و صحبت کنیم. و خاطرم می آید که يك روزی یکی از تجار محترم ایران در یکی از بزرگترین مهمانخانههای اسلامبول دعوتی کرد از نماینده های مطبوعات اسلامبول برای اینکه با بنده ملاقات کنند. آنجا البته صحبت از سیاست ایران و ترك بود. بعضی از نمایندگان مطبوعات ترك به بنده ایراداتی داشتند که چرا يك لجه صمیمانه و دوستانه در روزنامه خود نسبت به ترکیه جوان اظهار نمیکند؟ بنده در آنجا برای آنها صحبت مفصلی کردم که خلاصه اش این بود: که فی حد ذاته در ایران نسبت به ترکیه يك احساسات بدی موجود نیست (صحیح است) بلکه خیلی هم احساسات موافقی موجود است ولی چیزی که هست رجال سابق در مملکت بدرجه سوء سیاست داشتند و بدرقاری کردند که ما بین ما و ترکیه را حقیقتاً يك دیواری کشیدند بنده برای

برای اینکه اگر ترکها البته متوجه اتحاد و موافقت با ملت ایران بوده و ایرانیان نیز متوجه منافع دوستی با ترکیه باشند بهر جهت میتوانستند خودشان را در مقابل اجانب حفظ کنند و باعث این میشد که ما بین دو ملت تقارب باشد. ولی اینکار را نکردند و باعث این شد که همیشه ترکها به نظریه پارتیه نگاه میکردند و ایرانیان هم بنظر بد به ترکها نگاه میکردند. اما همینطور که عرض کردم طرز فکر و طرز سیاست رجال بزرگ دنیا تأثیر شدیدی در سیاست و در تاریخ و در اجتماع ملت آنها دارد. مخصوصاً وقتی که اختلاف و دوایت در بین دو ملت موجود نباشد آن وقت دوترا قائل و معامله دار بهر جهت و در ملت را هم نزدیک کنند. شبیه ندارد از وقتی که حضرت غازي كمال پاشا زمامدار جمهوری ترکیه شده اند يك تغییر خیلی محسوس در طرز رفتار دولت ترکیه نسبت به ایران و همینطور ملت ترکیه نسبت به ایران پیدا شده است و از طرف دیگر در ایران هم همین قسمت اتفاق افتاده است و آن این است که از وقتی اعلیحضرت شاهنشاهی زمام دار این مملکت شدند متوجه باین نکته شده اند که یکی از دوستی هائی که برای مملکت ایران ذیقیمت است دوستی با دولت ترکیه است و بنده تصور میکنم لازم نباشد بنده دلایل این دوستی هائی که از طرف ایران نسبت به ترکیه ابراز شده است اینجا عرض کنم برای اینکه در مسائل مختلف فیسی که ما بین ما و ترکیه بوده است و رویه که دولت ایران نسبت به دولت ترکیه داشته است این مسئله کاملاً بثبوت رسیده است که اعلیحضرت همایونی يك اهمیت خاصی به مودت و صمیمیت با ترکیه داده اند (صحیح است) و بهترین دلیل این مسئله همین مسافرت شخصی اعلیحضرت است برای اینکه همه ما میدانیم وقتی که برای ایشان این خیال آمد و بنا شد تشریف ببرند در تمام طبقات مختلفه مملکت اظهار عدم رضایت و اظهار مخالفت با سفر شاه شد نه از نقطه نظر اینکه به ترکیه نروند بلکه از نقطه نظر اینکه طبقات مختلفه میل نداشتند اعلیحضرت همایونی که بمنزله روح

مملکت هستند از ایران خارج شوند خود اعلیحضرت همایونی هم چندان شفته به سفر کردن در خارج ایران نیستند و بنده تصور میکنم از طرف اعلیحضرت همایونی این يك اظهار دوستی شدیدی است که تصمیم به مسافرت بترکیه گرفتند و اصافاً باید اعتراف کنیم که ماغبنی از این مسافرت اعلیحضرت بترکیه نداریم (صحیح است) برای اینکه در این مسافرت حقیقتاً ملت ترك بطوری احساسات نسبت به اعلیحضرت همایونی بروز داده اند که ما یقین داریم و همه ما میدانیم که ابدأ تصنع درش نیست (صحیح است) و این احساسات از صمیم قلب بوده است و این احساساتی که ملت ترك نسبت به اعلیحضرت همایونی ابراز کرده اند در حقیقت نسبت به ملت ایران است برای اینکه ما اعلیحضرت پهلوی را تنها بکثرت پادشاه خودمان میدانیم بلکه او را مظهر ایدآل ملی خودمان میدانیم (صحیح است) برای اینکه اعلیحضرت از روز اولی که آمده اند قدم بقدیم تمام آن چیزهاییکه در مفره و مخیله تمام آزادی طلب ها و اصلاح طلب ها بوده است تمام را روز بروز به مرحله عمل گذارده اند (صحیح است) ما شاه خودمان را از صمیم قلب دوست داریم و مظهر افکار و ایدآل ملی مان میدانیم پس هر قدر احترام نسبت باعلیحضرت همایونی شده باشد نسبت به ملت ایران شده است (صحیح است) بنده از این نظر که هم نماینده هستم و هم سمت نویسندگی دارم و مطلع از روحیات و اخلاق اجتماعی مملکت خودمان هستم از این احساسات دولت و ملت ترکیه نسبت به اعلیحضرت همایونی تشکر میکنم

ولیس - آقای شاهرودی

شاهرودی - موضوعی که میخواهم بعرض آئین برسانم یقین دارم مورد توجه و تصدیق نمایندگان محترم بلکه عموم ملت ایران واقع خواهد شد و آن پذیرائی گرم و صمیمی است که از طرف دولت و ملت ترکیه نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران بعمل آمده است. اطلاعات داخلی و خارجی که بهما رسیده حاکی از این است که در

این مسافرت هم علاوه بر انحرافات ظاهریه از طرف توده ملت ترکیه به قدری بروز احساسات صمیمانه شده است که نظیر آن در تاریخ معاصر دیده نشده است از آنجائی که اعلیحضرت پهلوی نماینده حقیقی ملت ایران است و از بزرگترین توانی و رجال شرق شناخته شده احترام زاید الوصف و اظهار علاقه بذات همایونی در حقیقت مظاهر حسن عقیده و تمایل ذاتی ملت ترکیه به ملت ایران میباشد به همین مناسبت بنده اجازه خواستم که از این بروز احساسات عودت آهیز و صمیمیت که ناشی از حسن نیت و بهترین معرفت یگانگی و برادری ملت ایران و ترکیه است اظهار تفکر ندایم معلوم است ملاقات دو نفر مرد فوق العاده بزرگ و بافکار شرقی اثرات بسکی داشته و برای سعادت ائین ایران و ترکیه مبدا و منشاء جدیدی خواهد بود و این قبیل بروز احساسات عودت آمیز موجب خورشندی عموم ملت ایران شده و بابی محکمی برای استحكام اتحاد و یگانگی آینه میباشد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در موافقی که بنده از مقام ریاست معظم استیجازه کردم تصور میکردم وقتی که شروع به بیان توضیحات میکنم محلی و چالی باقی میباشد که من بتوانم احساسات شخصی خودم را بر عرض شورای ملی برسانم ولیکن توضیحات جامع همکارهای بنده در عین حال که برای بنده مجال بیان مطالبی را که در نظر داشتم باقی نگذاشته است به قدری جامع و مؤثر و نماینده احساسات ملت ایران بوده است که من با ذکر تقدیر و تحسین نسبت به آقایان باید اعتراف بکنم که خود بنده دیگر وسیله برای بیان توضیحات مفصل ندارم و بنا بر این بطور اجمال چند جمله بر عرض مجلس شورای ملی میبرسم. بنظر من انجام مسافرت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی به مملکت ملت همجواری دولت ما ترکیه ایامی است که در تاریخ آئینه مملکتین از لحاظ اهمیت و از این لحاظ که نماینده

(صحیح است) بنابراین اگر شور و شعنی کبی در توده ایرانی می بینیم اگر احساسات فوق العاده که در پذیرائی شاهنشاه ما دولت ترکیه مشاهده میکنید نتیجه این است و نتیجتاً آگاهی آنها باین اصول و مبادی است و بهدائید که قوت و نفوذ این اصول و مبادی در دولت ناشی از این دورگیس بزرگ مملکت است (صحیح است) پس اگر رئیس محترم مجلس کبیر ترکیه بنام ملت ترک بوسیله اعلام تلگرافی خود به ملت ایران اعلام میدارد که وظائف خود را صمیمانه نسبت به پادشاه معظم ما انجام کرده است این تلگراف ندائی است که از ناحیه ملت ترک بوسیله او بطرف ما متوجه شده است و همینطور نظر باینکه توده ایرانی و کلیه طبقات ملت ایران فرداً فرداً در این اجتماع بطوریکه آقایان ملاحظه کرده اند در این ایام با شور و شغف متوجه تحصیل روزنامه و قرائت جریانات پرشور ترکیه در پذیرائی از پادشاه ما هستند اینهم نشان میدهد که اگر مجلس شورای ملی ما بتوسط رئیس معظم خود تلگراف جوابی تهیه و مخابره کند این جواب هم ندای ملت ایران است به ملت ترکیه (صحیح است) و حاکی از این است که ملت ایران برای پذیرائی صمیمانه و احترامات بلاحدی که ملت ترک نسبت به شاهنشاه پهلوی بعمل آورده است تشکر میکنند (صحیح است) رئیس الوزراء - امری که این مذاکرات را در این مجلس معظم پیش آورده است تلگراف رئیس محترم مجلس کبیر ملی ترکیه است بر رئیس محترم مجلس شورای ملی ایران یعنی به عبارتی آخری پیغام ملت ترکیه به ملت ایران پس بنابراین طبیعی است که مذاکره در اطراف او منحصرأ بایستی بتوسط آقایان نمایندگان ملت بشود - گذشته از اینکه بیانهائی که آقایان محترم فرمودند بطوری وافی و شافی بود که دیگر مجالئی از برای بنده باقی نمیکند چیزی عرض کنم علاوه بر این بنده مکرر در همین محضر محترم محسوسات و مشهودات خودم را از زیات دولت و احساسات ملت ترک یعنی ترکیه جدید نسبت بدولت و ملت ایران باستحضار آقایان رسانده ام و تکرار آنها را لازم نمی دانم

همینقدر در این موقع اظهار مسرت و سرفرازی میکنم از اینکه بنده در سبب تشخیص داده بودم (صحیح است) و درست با اطلاع نمایندگان محترم و ملت ایران رسانده بودم و آنچه عرض کرده بودم حقیقت بود (صحیح است) پذیرائی شایان صمیمانه که دولت و ملت ترک نسبت به ذات مقدس اعلیحضرت همایونی بعمل می آورند و تقاضای هم حضرت عصمت پاشا رئیس الوزرای دولت ترکیه در مجلس کبیر ملی که البته آقایان در جرایم مشاهده فرموده اند و همچنین تلگرافی که آقای رئیس از طرف رئیس محترم مجلس کبیر ترکیه قرائت فرمودند بهترین شاهد و گواه عرایض است که سابقاً در اینجا کرده ام این است که بنده مستقیماً هستم که دیگر در این باب چیزی عرض کنم و امیدوارم و یقین دارم که این مسافرت اعلیحضرت همایونی بترکیه و سیاست عاقلانه خیر خواهانه صلح خواهانه در قالد بزرگ این دو مملکت همانطور که آقایان نمایندگان محترم اظهار داشتند در سعادت مملکتین و همچنین در روابط بین المللی تا آن اندازه که مربوط بهما میشود تأثیرات عینی داشته و نتایج او روز بروز ظاهرتر شود (انشاء الله - صحیح است - صحیح است)

رئیس - عده زیادی از آقایان اجازه خواسته اند که در مقابل این رویه کریمانه و میهمان نوازی ملت عظیم ترکیه و دوست همجواری ما صحبت کنند احترام و تکریمی که ملت و دولت ترکیه بشاهنشاه ما ابراز داشته روابط قلبی ما را تا کبید و احساسات ما را تشبیه نموده (صحیح است) دیر زمانی است که ما قدر و قیمت این دوستی را دانسته بزرگترین وثیقه و برهان این عقیده همان اولین مسافرت اعلیحضرت پهلوی است (صحیح است) ما حتی يك دقیقه هم نمیخواهیم و میل نداریم که فائد و پیشوای ما از ما دور باشد (صحیح است) نمکین بمسافرت ایشان برای وصول بهمان منظور بوده است که خوشبختانه از آن کامیاب شده ایم (صحیح است) - یعنی

يك دوستی خلل ناپذیر و يك صمیمیت بیمانند بین دولت برقرار شده و امیدواریم در آینده موجب فواید بی شمار باشد (صحیح است)

اگر آقایان تصویب می فرمایند چواین شایسته و متناسب با آنچه الطاقی که رئیس محترم مجلس ملی کبیر ترکیه بر جان آن بوده داده شود که احساسات متقابل مراعات من باشد (صحیح است)

۲- شور اول لایحه استخدام محصلین قضائی در وزارت داخله

رئیس - خیر کیسیون داخله راجع با اجازه استخدام محصلین قضائی برای وزارت داخله شور اول قرائت میشود: خیر کیسیون

کیسیون داخله لایحه شماره ۱۲۴۸۱۲۴ دولت راجع با اجازه استخدام فارغ التحصیل های کلاس قضائی وزارت داخله را با حضور آقای وزیر داخله مطرح نموده و با توضیحاتی که آقای وزیر داخله دادند با عین ماده واحده پیشنهادی دولت موافقت حاصل شد و اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینمایند.

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت:

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

نظر باینکه مطابق ماده ۱۳ قانون مأمورین صالح مصوبه ۲۴ تیر ۵۵ مرداد ۱۳۰۹ وزارت جلیله عدلیه مجاز است بهر تائب الحکومه که شایسته بدانند سمت مأموریت صلح بدهد و بدین است انجام خدمت مزبور منوط بداشتن معلومات قضائی است از این جهت وزارت داخله در نظر گرفته است که بقدر امکان نواب حکام را از فارغ التحصیل های کلاس قضائی انتخاب نماید و چون مطابق قانون مصوبه خرداد ۱۳۰۸ فارغ التحصیل های کلاس مزبور با رتبه يك قضائی در صورتیکه سابقه خدمت نداشته باشند و با رتبه قضائی مساوی با رتبه اداری خود در صورت داشتن سابقه خدمت استخدام میشوند و باین ملاحظه حاضر برای خدمت در وزارت داخله با حقوق اداری نخواهند شد لذا برای رفع این اشکال ماده ذیل پیشنهاد میشود.

و عقد کنند این را بنده عقیده ندارم و اصلاح مخالف اصول است و اساساً میتوان گفت که قوه مجریه و قوه قضائیه یکی میشود و مطابق قانون بنفیده من نمیشود که يك کسی هم خودش قاضی باشد هم خودش مجری باشد هم خودش رئیس بلدییه باشد و هم خودش حاکم باشد و بنده نمیدانم از روی چه منطقی این لایحه را آقای وزیر داخله آورده اند اگر قاضی دارید صلحیه تأسیس کنید اگر ندارید که چرا میگویند اینها رتبه قضائی دارند آنوقت این کار های مختلف را هم با هم بدهید بنده عقیده دارم این لایحه را پس بگیرند و يك لایحه جامعتری تهیه میکنند يك مشکل دیگر در این لایحه هست که شغل این اشخاص را شغل قضائی قرار داده اند و ترفیحات آنها مادام که در این کار است مطابق رتبه اداری و تخلفاتی که او میکند مطابق قانون تخلفات قضات مجازات میشوند این لایحه را بنده اصلاً قابل طرح نمیدانم و عقیده ام این است که باید پس بگیرند اگر این شخص قاضی است و اجازه دارد قضاوت کند باید حاکم صالح یا حاکم بدایت باشد اگر قاضی نیست يك نفر را فرستادن بعنوان اینکه هم حکومت کند هم قضاوت این در مملکت مشروطه مخالف تمام اصول است زیرا قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه نمیتوانند در کار های هم دخالت کنند و یک نفر هم نمیتواند در آن واحد هم خودش قاضی باشد هم خودش مجری بعضی جاها صلحیه ندارد و ضرورت هم دارد که دولت تأسیس کند این خشت کج را از ابتدا کار گذاشتن و مردم را عادت دادن باین طرز قضاوت در جاهائی که صلحیه نبوده است این خلاف سیاست است بنده عقیده ام این است اگر اینها اشخاصی هستند که ببرد کار قضاوت میکنند وزارت عدلیه در همین محل جا حاکم صالح صلح محدود صلح نامحدود بدایت بنوسط همین ها تأسیس کند و اینها را که میگویند از کلاس قضائی فارغ التحصیل هستند و آنچه هستند و خوب هستند به این کار جا بکارند و به علاوه بنده چندین مرتبه دیگر هم عرض کردم که حالا مثلاً

سلطان آباد عراق حاکم میخواهد این يك مطالب دیگری است ولی ابر رود یا جاهای کوچک و محل های جزو حاکم چه ضرورتی دارد اینها محتاج صلحیه هستند و اگر لازم است که رئیس بلدییه کار های حاکم را هم در جاهای کوچک بکنند در این جا های کوچک ما بی نداریم ولی بهر حال قاضی میخواهد و محتاج قوه قضائی است و این ترتیب آطور که باید حقوق مردم را تا این بکنند نمیتواند.

رئیس شورای - یک قدری بنظر بنده می آید که اشتباه شده باشد در معنی قوه قضائیه و قوه مجریه و دخالت قوه مجریه در قوه قضائیه باین لایحه آطور که آقا تصور فرمودند مضر نیست بلکه دولت این را مطالعه کرده است و از روی اخلاص و علم پیشنهاد کرده است البته همه ولایات عدلیه لازم دارد بر حسب اهمیت محل عدلیه کوچک یا عدلیه بزرگ بعبارة اخری صلحیه با صلحیه ابتدائی و بالاتر هم رتبه صلحیه استنباف هم ولایات هم علاوه بر آنکه محاکم قوه قضائیه و عدلیه لازم دارد حکومت هم لازم دارد ولیکن نظر باین که در مملکت ما اولاً جمعیت اینقدر زیاد نیست و آنقدرها آدم حاضر کرده نداریم که از برای هر ولایاتی اعم از کوچک و بزرگ هم عدلیه داشته باشیم هم حکومت داشته باشیم این هم بلدییه داشته باشیم هم ادارات دیگر داشته باشیم این ترتیب را اگر بخواهیم بنفیده شویم هم اولاً دست و پیمان تنگ میشود هم از حیث اشخاص هم مخارج زیاد میشود بنابراین در نتیجه مطالباتی که شده است در نظر گرفته شده است که حتی الامکان بدلائل مذکور صرفه جویی بکنیم چه در قسمت مالی و چه در اشخاص و کارهایی که میشود در ولایات و مخصوصاً در ولایات کوچک جمع کنیم کارها را و در باسه کار را بیک شخص رجوع کنیم و این لایحه یکی از نتایج آن فکر است و منحصراً باین هم نیست و دنباله خواهد داشت بعد از این دولت در این زمینه فکریهایی کرده که تدریجاً همینطور به موقع ظهور خواهد آورد و آن اندازه که رأی مجلس و قانون

لازم دارد بمجلس پیشنهاد خواهد کرد و اما اینکه
بمجلس ما باید این مخالف قانون و مخالف اساس مشروطیت
است این جا است که عرض کردم بنظر من اشتباه کرده اند
که قوه قضائیه قوه مجریه نباید دخالت داشته باشند و
همچنانکه قوه مقننه هم نباید در قوه قضائیه و مجریه دخالت
کند ولیکن این معنی اینجا نیست که بکنفر حاکم صالح
میتواند مثلاً رئیس بلدییه هم باشد یا میتواند حاکم محلی
یا نایب الحکومه محلی هم باشد اینها باید بکنفر اختلاف
نارند اگر مقصود از اجرا اجرای حکم است اجرای
حکم که با خود محکمه است محکمه خودش حکم را
اجرا میکند و غیر ما باید قوه قضائیه با قوه مجریه مذاخه
ببند میکند بکنفر وقتیکه حکم را محکمه صادر میکند
اجرائی را بدگری و اکتفا میکند ؟ میباید آقا که
مجریان احکام از ما دورین خود عدلیه هستند چه اشکالی
دارد از اینکه کسی در فلان موقع برود در محکمه بنشیند و اعمال
قوه قضائیه بکند یعنی محاکمه بکند مابین مردم و بعد بکساعت
دیگر هم نظر بکند ببیند در این مملکت اگر یک سدی
باید ساخته شود مناسب و صالح این ولایت هست یا این
که اگر فلان فریب را بدهیم مثلاً فلان فراروانز میشود
یا ارزانز میشود چه بداخله کرده قوه قضائیه نیست
بقوه مجریه و بر عکس آجائیه که بگویند قوه اجرائیه
بباید در قوه قضائیه بداخله کند آن این است که قوه
اجرائیه نسبت قوه اجرائیه ما بین مردم محاکمه بکند
و حق را تشخیص و نیز بدهد یعنی حکم صاحبیه و بنیابت
و تمیز دادن و اجرا کردن آنها بدست قوه اجرائیه باشد
اگر درست نامل بفرمائید اینهاور که دولت تشخیص
داده است این مسائل با هم دیگر منافات ندارد و حالا
بر حسب اتفاق عدلیه بواسطه احتیاجاتی که بقضات دارد
در سده نهمت يك عدله اشخاص برآمده است و از این
جهت از وزارت داخله غنی تر است چه عیبی دارد که آنگ
و مساعدت بکند بوزارت داخله که وزارت داخله بتواند
از این اشخاص استفاده کند و حتی بنده تصور میکنم

که سابق بر این در همین مجلس شورای ملی يك قوانین وضع
شده است و يك اختیاراتی داده شده است که يك اشخاصی
مثلاً سمت صالح داشته باشند که در کارهای حکومتی
دخالت کنند یا برعکس اگر مخالف قانون بود و مخالف
اساس مشروطیت بود آنگاه هم نباید این رأی را بدهید
و مخالف نبوده است و باین جهت که آن میکنم اشکالی
که فرمودند وارد نیست

چمی از نمایندگان - کانی است

رئیس - آقای دیبا پیشنهاد خروج از دستور کرده اند
قرائت میشود

دشمنی - بند مخالفم با خروج از دستور

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد بنمایم این لایحه از دستور امروز خارج
شود در جلسه آینده مطرح بشود

طباطبائی دیبا - خیلی از آقایان بنده اطلاع دارم که
در اطراف این لایحه نظریات دارند خود بنده هم

نظریاتی دارم که باید بعرض مجلس برسانم و آقای وزیر
داخله و آقای وزیر عدلیه هم تشریف ندارند باین جهت
عقبه ام این است که این لایحه باشد برای جلسه دیگر
وقت هم گذشته است. مثلاً يك قضیه را آقای روحی
فرمودند که ما حملش این بود که این لایحه را که دولت تقدیم
مجلس کرده است این خلاف قانون است در صورتیکه
خلاف قانون نبوده و این قضیه قانون مخصوص دارد
مصرف نیست و چهارم تیر ۱۳۱۹ که ماده سیزدهم آن
قانون را بنده قرائت میکنم که آنها حقیقه همین صالح
نمیشد و بلکه ماهور صالح هستند و قانون پیش بینی
کرده است (روحی) - آقا در پیشنهاد خودتان توضیح
بدهید (بل) میخواستم عرض کنم که جواب ایشان هم
میباشد داده شود و باین جهت عقبه ام این است که بماند
برای جلسه بعد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بل این پیشنهاد بوجه بنظر نمیرسد

زیرا که این شور اولش است و در شور دارد (بعضی از
نمایندگان - فوریت دارد. يك شوری است) خوب اگر هم
فوریت دارد که دلائل فوریت مستلزم این است که حالا
تصویب شود چون مجلس فوریتش رأی داده است بهر صورت
سابقه ندارد و در حرف و شنوم بکنی اینکه دو فوریت
(مؤید احمدی - بلی دو شوری است) در این صورت در
شور دوم هم مذاکره شود و اگر يك شوری باشد که
فوریتش مطابق رأی مجلس تصویب شده است که همان
دلائلی که موجب تصویب يك فوریت است مستلزم این
است که در همین جلسه رسیدگی شود بنا بر این مطابق
توضیحاتی هم که آقای رئیس الوزراء دادند این لایحه یکی از فزاین
خیلی مهمی است در ایران و تقاضا میکنم در همین جلسه مذاکره شود
رئیس - آقایانی که بخروج از دستور این لایحه امروز
موافقت دارند قیام فرمایند

(عدله برخاستند)

رئیس - اکثریت نیست. آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - مطابق يك احتیاجاتی وزیر عدلیه

يك لایحه گذراند که کلاس قضائیه باز کند و يك عدله
اشخاص بیابند و تحصیل بکنند و از کلاس قضائیه که مجاز
شدند آنوقت بروند و قضاوت بکنند. چند سال است که
این مسئله در ایران مجری شده و نتایج خوبی هم از
قراری که بگویند حاصل شده. در سال گذشته عدله
اشخاصی که در کلاس قضائیه پذیرفته شدند زیاد بود و
بقدری را که عدلیه لازم داشت از بین آنها انتخاب کرد.
چون وزارت عدلیه مجاز بود که هر کس را میخواهد
ببرد. يك عدله مانند بند آقای وزید مالیه یعنی آقای
وزیر عدلیه بعد که وزیر مالیه شدند يك لایحه آوردند و
اختیار گرفتند اشخاصی را که از شاگردان کلاس قضائیه
بمدرشان میخورد ببرند در مالیه با همان رتبه قضائیه و از
این جهت عدله را هم ایشان انتخاب کردند و بردند باقی
ماند يك عدله که نه ببرد مالیه خورد نه ببرد عدلیه. بنده
آطرف قضیه را میخواهم عرض کنم. اولاً همان طوریکه

آقای دیبا توضیح فرمودند يك قانونی که گذشت از مجلس
که نایب الحکومه ها تا يك مبلغ جزئی حق رسیدگی دارند
و این قدری که صاحبیه های محدود دارند راجع بتصرف
عدوانی و رفع مزاحمت و دعوائی جزئی تا ده تومان
پانزده تومان بیست تومان اینها را حق دارند خودشان حل
و فصل کنند و باز اختیار داده شد که اگر طرفین متخاصمین
تراضی کردند و حکمیت دادند تا هر مبلغ نایب الحکومه ها
میتوانند به حکمیت رأی بدهند. حالا بنده آن طرف قضیه
را میگویم و استدعا دارم توجه فرمائید فرض کنیم این
آقا قضی خوس باشد. قاضی صاحبیه خوس هستند عیالاً
يك جا های کوچک را در نظر نمی گیرم يك
جا های مهمی را بنده اسم می برم مثل جیرات کرمان
اینجا يك نایب الحکومه دارد که هزار قسم کار دارد و
سرف کار قضائیه نیست. در اینجا نماینده دولت فقط
نایب الحکومه است. بنده هم با او است اغلب کارها
با او است. يك کارش هم همین است. قضاوت نایبست
تومان را هم میتواند بکند. خوب يك بچه ۲۲ ساله
در يك جای مهمی که باید سیاست دولت را از هر چه
حفظ کنند بطور میتوان کار کند برای اینکه کلاس
قضائیه را دیده و چهار تا ماده قانون مدنی یا اصول
حاکمات را امتحان داده تمام مسائل را باید در نظر
گرفت. صد فرسخ در صد فرسخ این آدم نایب الحکومه
است و هزار قسم کار دارد. بنده با این طرز قضیه مخالفم
اگر ما تکلیباتی داشتیم در همه جا و کامل بود البته
ایشان بفرقتند و همانطور که آقای روحی فرمودند يك
صاحبیه باز میکردند ولی این را در نظر بگیرید که در
يك جائی دوستان فرسخ خاک دارد هزار جور چه بپزند
و کار در اینجا هست يك نایب الحکومه میخواهد که
از همه چیز اطلاع داشته باشد تجربه و عملیات داشته
باشد سیاست دولته را بداند اطلاعات کامل داشته باشد
بصرف اینکه آقا در کلاس امتحان خوب داد. و وزارت
عدلیه گفتند ببرد من میخورد مالیه هم گفتند که ببرد

من ای خرد از همه جا رانده جلا وزارت داخله
 میخواهد او را ببرد این قسمت بنظر بنده خوب میباشد
 از این جهت بنده نظرم این است که اینها را بکوت
 است بعنوان صلاحیت بفرستند و همین حقوق را بدهند
 بنده با این ترتیب موافقم. فلان محل بک حاکم دارد
 بک صلاحیت هم باز کنند. در نقاط غیر مهم و دهات کوچک
 البته عیب ندارد ولی در جاهایی که اهمیت دارد بک
 حاکم با تجربه لازم است فرستاده شود زیرا بک اطلاعات
 دیگری غیر از تفاوت لازم است حاکم داشته باشد. فرستادن
 اینها برای خود دولت هم نافع نیست.

مخبر که پیشین ولایت داخله (آقای دکتر بیبی) - اولاً
 این اشخاصی را که بگورمت جزء بفرستند اینخاصی
 هستند که مازاری تحصیلات کرده اند و کلاس قضائی را
 دیده اند کزین از این به نقاط جزو فرستاده میشوند و
 نظر دولت هم همانطور که فرمودند اجرای همان قانونی است
 که آمد از مجلس گذشت و مجلس قبلاً اجازه داده که به

حکام جزء اجازه داده شود که در کارهای قضائی رسیدگی
 کنند و از طرف دیگر تصور میکنم در قسمت ولایات جزء
 بک قسمت کار امنیت است که با امنیت است و بک قسمت
 کار حقوقی است که با این اشخاص خواهد بود آنهم بک
 حدود همین. و البته اگر دعوی بالائری باشد ممکن
 است رجوع شود به عدلیه های بالا و این برخلاف
 اصول مدروسته نیست بلکه برای تسویه امور مردم است
 که در نقاط و محل های کوچک این اشخاص فرستاده میشوند.

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

ولیس - آقای طهرانی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند.
 پیشنهادشان هم توجه است زیرا دوازده نفر وقت
 خواسته اند حرف بزنند معلوم میشود قضیه طرف علاقه
 است. اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم.
 جلسه آینده پنجشنبه هفتم لیل سه ساعت قبل از ظهر
 دستور ابواب موجوده.

(مجلس لیل ساعت بعد از ظهر ختم شد)

ولیس مجلس شورای ملی - دادگر